

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۸۸: ۱۰۶-۸۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۱/۲۶

نقد چهل لغت ترجمه شده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

همراه با ارائه‌ی پیشنهادهای جدید و روشهای اصلاحی

امید مجد*

چکیده

یکی از بزرگترین نیازهای روز زبان فارسی، ترجمه و مقابله با هجوم و حضور هزاران لغت علمی است که همراه با علوم و فنون مختلف، به زبان فارسی سرازیر شده‌اند. بدیهی است این امر نیازمند آگاهی، تحقیق و تمرین لغت‌سازان و مترجمانست. از سوی دیگر لازمست علاوه بر ساختن لغات تازه، لغات علمی‌ای که تاکنون دیگران ساخته‌اند، نقد و بررسی شود، تا با طرح معایب و محاسن آنها، لغات نادرست حذف گردد. هدف این مقاله نیز همین است و پس از ارائه نظریه‌های کلی لغت‌سازی، چهل لغت در رشته‌های مختلف علمی را که به‌دست فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد فرهنگ (که در رژیم پهلوی کاری مشابه فرهنگستان امروز می‌کرد) ترجمه شده‌اند، بررسی می‌کند و معایب آن را بر می‌شمارد. همچنین برای اکثر لغات نقد شده، لغات جایگزین پیشنهاد شده‌اند.

واژگان کلیدی: زبان روز، دستور درست، واژه‌سازی.

مقدمه

هدف اصلی این مقاله، نقد لغات ساخته شده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه‌ی علوم مختلف است. بدین منظور ابتدا اشاره‌ای به اصول نه گانه‌ی فرهنگستان در زمینه‌ی لغت‌سازی و نقد آن خواهیم داشت.

آنگاه معایبی را که این ترجمه‌ها دارند، فهرستوار همراه با ذکر مثالی برای هر کدام می‌آوریم. سپس روشهای دیگر پژوهشگران اهل فن را در واژه‌سازی ذکر خواهیم کرد و شیوه‌های خود را نیز شرح خواهیم داد.

در پایان به توضیح مندرجات جدول نقد لغات می‌پردازیم و چهل لغت را نقد خواهیم کرد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصول نه گانه‌ی خود را پیش از این در کتابی به نام **اصول و ضوابط واژه‌گزینی** به چاپ رسانده است، فشرده‌ی آن اصول بشرح زیر است:

«اصل ۱: در انتخاب معادل فارسی برای واژه‌های بیگانه، واژه فارسی حتی الامکان باید به زبان معیار امروز نزدیک باشد.

اصل ۲: در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز رعایت شود.

اصل ۳: قواعد آوایی در آن رعایت شود و کلمات تنافر حروف نداشته باشند و لغت فارسی، حتی الامکان از لغت بیگانه کوتاهتر باشد.

اصل ۴: لغات انتخاب شده تصریف پذیر و اشتقاق پذیر باشند.

اصل ۵: نو واژه‌های معادل هر خوشه‌ی واژگانی باید هم‌ریشه و هم‌پایه باشند.

اصل ۶: معنای واژه زودیاب و روشن باشد.

اصل ۷: برای هر لفظ، ترجیحاً فقط یک معادل برگزیده شود و از تنوع و تعداد واژه‌ها پرهیز گردد.

اصل ۸: یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبه جهانی و بین‌المللی یافته‌اند، ضروری نیست.

اصل ۹: در موارد معدودی که گزینش واژه‌ی معادل در قالبهای مرسوم زبان فارسی متداول میسر نباشد و ضرورت استفاده از روشهای تازه احراز شود بر طبق رأی شورای فرهنگستان عمل خواهد شد». (فرهنگستان زبان، ۱۳۷۸: ۳۵).

پیش از این، اصول نه گانه‌ی فوق بصورت مبسوط در مقاله‌ای نقد شده‌اند^(۱) و برای جلوگیری از تطویل کلام در اینجا ذکر نمی‌گردند.

به نظر اینجانب فرهنگستان محترم در بسیاری از موارد اصول نه گانه‌ی خود را رعایت نکرده است. مثلاً در لغت «هواویز» به جای Aerosol، اصلهای اول و دوم و ششم رعایت نشده‌اند.

شرح کلی معایبی که لغات ترجمه شده‌ی فرهنگستان دارند و در جدول نقد لغات آمده‌اند:

۱- نامفهوم: یعنی معنای لغت معادل، هرگز قابل فهم و زودیباب نیست مانند: مانک بجای پارک و آبوا بجای هیدرووزول.

۲- دستور غلط: یعنی ساختار دستوری لغت مورد نظر منطبق با دستور زبان فارسی نیست. مانند لغت شیشش بجای شیشه‌ای شدن، که ابتدا مصدر شگفت انگیز شیشیدن را ساخته، سپس از آن اسم مصدر ساخته‌اند. باید توجه داشت که افزودن شین مصدرساز به بن مضارع، قیاسی نیست بلکه سماعی است؛ یعنی نمیتوان این «ش» را به تمام بنهای مضارع افزود و اسم مصدر ساخت. چنانکه روش از رفتن، درست، اما دوش از دویدن نادرست است. افزون بر آنکه در این مورد خاص (شیشش) اصولاً «شیش» را بن مضارع «شیشه‌ای شدن» پنداشتن، خلاف قواعد زبان است.

۳- عنصر مرده‌ی دستوری: به این معنا که از عناصر مرده‌ی دستوری فارسی دری یا زبانهای پهلوی و باستان استفاده کرده و لغت جدید ساخته‌اند. مانند استفاده از پسوند «آل» در لغت تختال، علامت‌گذاری در ترجمه‌ی marking off slab.

۴- ترجمه‌ی تحت اللفظی: لغت مورد نظر، بدون توجه به کاربرد و خاصیتش، تنها بصورت تحت اللفظی ترجمه شده است. مثلاً لغت آبگره بجای hydrospher که مفهومی را نمیرساند (معنای اصلی این لغت، سطح زیر آب زمین است).

۵- حذف بی دلیل: منظور آنست که خلاف اصول شناخته شده‌ی زبان فارسی، حرف یا حروفی از لغات، بی دلیل حذف شده‌اند و بالطبع لغت بی‌معنا گردیده است. مانند «فشر

گستر» بجای «فشارنده و گسترنده» و «هوایاد» بجای «دستور العمل پرواز»، در ترجمه‌ی Notice for airman^(۲).

۶ - خلاف ذوق: مانند پوشک بجای کاور، چرا که پوشک پیش از این به عنوان «پوششی که به نوزادان می‌بندند» شناخته شده است یا «پس خنک کن» بجای «خنک کننده‌ی نهائی» در ترجمه‌ی After cooler.

۷ - لغاتی که غلط ترجمه شده‌اند: مثلاً رده را واحد شمارش برای واگنهای قطار که دنبال هم چیده شده‌اند، انتخاب کرده‌اند در حالیکه «رده»، واحد شمارش برای چیدنیهای عمودیست. مثلاً «رده‌های آجر که روی هم چیده میشوند»، و برای چیدنیهای افقی، لغت «رشته» را باید بکار برد. مانند همین واگنهای قطار که رشته وار چیده می‌شوند نه رده وار.

۸ - لغاتی که بی‌دلیل ترجمه شده‌اند، که با علامت اختصاری «بی‌دلیل» در جدول نشان داده شده‌اند. یعنی لغاتی که قبلاً معادل آنها در زبان فارسی وجود داشته است، یا به شیوه‌ی استعاری قابل تعمیم به لغت جدید بیگانه‌اند^(۳). مثلاً بجای demurrage که بمعنای «خسارت دیر تخلیه کردن بار است»، معادل «دیرانه» را برگزیده‌اند. در حالی که نیازی به این لغت جدید نیست. زیرا در زبان لغاتی مانند خسارت، جریمه، دیرکرد، تاوان و... وجود دارند که در همین معنا به کار می‌روند (بگذریم از اینکه دیرانه، عیب معنایی و دستوری هم دارد).

شیوه‌ی ما در لغت سازی :

در میان منابعی که راجع به ترجمه وجود دارند، انواع روشهای لغت سازی در سه منبع بیشتر آمده‌اند^(۴). ما بر اساس آن روشها و الگوبرداری از دیگر منابع موجود، روشهای خود را برگزیده‌ایم. به گونه‌ای که فاقد هشت عیب برشمرده‌ی پیشین باشد و علاوه بر آن روشهای زیر را بکار برده‌ایم^(۵):

۱ - هرچقدر لغت قدیمی‌تر باشد، از اولویت ترجمه خارج میشود. بنابراین ساخت معادل برای لغاتی چون تلفن، از لحاظ نگارنده لزومی ندارد، مگر آنکه به‌رغم قدمت، همچنان نامفهوم باقی مانده باشد، مانند الکترو آنسفالوگرافی.

- ۲ - لغت ساخته شده، حتما مفهوم باشد، مانند دماسنج بجای ترمومتر. بنابراین لغاتی مانند «هواویز» به جای آئروزول قابل قبول نیست.
- ۳ - منطبق با دستور زبان فارسی باشد. بنابراین «نشستش»، به جای «رسوب» قابل قبول نیست، زیرا «ش» مصدرساز به بن ماضی نمی‌چسبید.
- ۴ - یک وجه نامگذاری برای اشیاء چند وجهی مثلا «سازمان آتش نشانی» خدمات متعددی را انجام میدهد، ولی تنها یکی از آنها (نشان دادن آتش) در نامگذاری آن بکار رفته است.
- ۵ - پذیرش ترجمه‌ی تحت اللفظی در برخی موارد (نه همه موارد) مانند برج تقطیر به جای distillate tower، ولی «راه بالا» بجای آند قابل قبول نیست.
- ۶ - بر اساس کاربرد شیء، مانند «چرک خشک کن» یا «ضد چرک» به جای آنتی بیوتیک.
- ۷ - بر اساس شکل شیء، مانند دم باریک (نوعی ابزار).
- ۸ - بر اساس شباهت شیء به شیئی دیگر در طبیعت، مانند شنای قورباغه.
- ۹ - در بعضی موارد، یک لغت بیگانه را بعنوان لغت پایه‌ی بسیط برگزیده و از آن مشتق ساخته‌ایم مانند پلیمرسازی، (زبان‌شناسان این شیوه را آمیزش قرضی نام نهاده‌اند) که در آن لغت «پلیمر» بدون ترجمه پذیرفته شده است.
- ۱۰ - استفاده از عناصر زنده‌ی زبان.
- ۱۱ - پذیرش این نکته که گاهی ممکن است لغت معادل، از لغت اصلی طولانی‌تر باشد، مانند دروازه بان به جای گلر و اگر قرار باشد ترجمه را کوتاه کنیم، معنا فدا میشود. مانند «پروندان» بجای «پرونده دان».
- ۱۲ - با توجه به خصلت ترکیب پذیری زبان فارسی، تا سه ترکیب به راحتی قابل پذیرش است، مانند: برف پاک کن، گلگیرسازی.
- ۱۳ - وجود چند لغت برای یک مفهوم یا شیء عیبی ندارد و هر کدام کاربردهای خاص خود را دارند، چنانکه به «خودرو»، ماشین و اتومبیل نیز میگویند.

همچنین از روشهای زیر پرهیز شده است:

- ۱ - واژه‌سازی بدیع، مانند خَفَن به جای حیرت انگیز.
- ۲ - ترخیم، مانند دس به جای دست.
- ۳ - سر واژه سازی، مانند ناجا به جای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.
- ۴ - آمیزشی، مانند عکاشی به جای عکاسی و نقاشی^(۶).

شرح جدول:

در اولین ستون این جدول، لغت علمی بزبان انگلیسی و بعضاً فرانسوی نوشته شده است که برای جلوگیری از تداخل، هر کجا لغت فرانسوی بوده با علامت اختصاری (fr) متمایز گردیده است. ستون دوم نام رشته‌های ست که لغت مربوطه به آن اختصاص دارد. شیمی، بیانگر مهندسی شیمی و مکانیک، بیانگر مهندسی مکانیک است و نام سایر رشته‌ها کامل ذکر گردیده‌اند، مانند: زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک، برق و... ستون سوم لغات، معادلی است که منابع مختلف راجع به لغت مورد نظر ساخته‌اند. در این ستون منظور از «بنیاد»، بنیاد فرهنگ است که در رژیم گذشته کار اصلی لغت‌سازی در رشته‌های مختلف علمی را عهده‌دار بود. منظور از فرهنگستان نیز فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی جمهوری اسلامی است. در ستون شرح لغت، لغت مربوطه بر اساس توضیحات همان منبعی که پیش از آن آمده است، تشریح می‌گردد. به همین دلیل ممکن است در این ستون به لغاتی برخورد کنیم که قبلاً مردود شناخته شده‌اند، ولی به دلیل حفظ امانت در اینجا عیناً بیان گردیده‌اند مثلاً در شرح polymerization می‌خوانیم: «عمل بهم پیوستن دو یا چند تکپار برای تولید یک بسپار» در حالیکه قبل از آن، لغات تکپار و بسپار را مردود اعلام کرده بودیم. ستون بعدی شرح معایب لغت مورد نظر و نقد آنست. در آخرین ستون نیز پیشنهاد جدیدی داده شده است.

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۱	acrodermatitis	پزشکی	پوست آماس پانکی	فرهنگستان	التهاب پوست دستها و پاها	۱ - کاملاً نامفهوم، بجای «پوست آماس» به راحتی میتوان گفت «التهاب پوست» و لغت «پانکی» هم بکلی مجهول است. آیا به پا مربوط است؟	التهاب پوست
۲	acropachyderma	پزشکی	بستر پانکی	فرهنگستان	ضخیم شدن پوست دست و پا و صورت همراه با تغییر شکل استخوانهای دراز	لغت اصلاً مفهوم نیست.	
۳	Aerosol	محیط زیست	هواویز	فرهنگستان	ذرات بسیار ریز جامد یا مایع معلق در هوا، مخفف هواویز	۱ - نامفهوم ۲ - حذف خلاف قاعده ۳ - حتی کل لغت «هواویز» هم به معنای اراده شده نیست. به معنای کسی یا چیزیست که از هوا آویز شده است یا چیزی که هوا را به آن می‌آویزند، مانند دستاویز.	ذرات معلق
۴	amiloplast	زیست شناسی	نشادیه	فرهنگستان	نوعی دیسه‌ی بیرنگ در سلول گیاهی که محل ذخیره‌ی نشاسته است.	۱ - عیب دستوری: حذف خلاف قاعده: نشاسته - نشا ۲ - نامفهوم: نشا بمعنای گیاه برنج است که در شالیزار می‌کارند.	«نشاپوش نشاسته‌ای» (ر-ک به دیسه که معادل آن نشاپوش، تعیین شده بود).

منجنین از روشهای زیر بهره‌بردار شده است:

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	مغایب و نقد	پیشنهاد جدید
۵	Acidity	شیمی	اسیدینگی	فرهنگستان درسی	میزان اسیدی بودن یک محلول	<p>۱- غلط</p> <p>۲- عنصر مرده‌ی دستوری.</p> <p>۳- از معادل سازی جدید بی نیاز است.</p> <p>• ینه که به پایان اسم یا صفت می‌پیوندد، پسوند اتصاف است و جنس را می‌رساند: زربته، جوبینه، ترمینه، بنابراین اسیدینه، یعنی از جنس اسید، نه میزان اسیدی بودن محلول. کاربردهای دیگر ینه همگی مرده‌اند.</p> <p>۱- صفت زمان ساز: مانند: دوشینه سحرگه میان بست و در باز کرد همان لطف دوشینه آغاز کرد</p> <p>۲ سرچشمه‌ی نام چند خوراک: آردینه، خاگینه</p> <p>۲- به کمک نام چند جانور، اسم پوشاک می‌سازد: پلنگینه، گرگینه</p> <p>۴- یک مورد اسم ابزار: مکینه. این لغت نیازی به معادل سازی ندارد و لغاتی چون حجم، میزان، درصد، درجه وجود دارند:</p> <p>- اسیدیت‌ی این محلول ۵۰ درصد است. - درصد اسید این محلول ۵۰ درصد است. - میزان اسید این محلول ۵۰ درصد است. - حجم اسید این محلول ۵۰ درصد است.</p>	درصد اسید میزان اسید حجم اسید
۶	Anabolism	زیست شناسی	فراگشت	فرهنگستان	فراوندهای شیمیایی ترکیبی در موجودات زنده	<p>بی معناست. فراگشت فقط می‌تواند بمعنای «فرا تر از گردش کردن» باشد زیرا گشت یا اسم است به معنی گردش کردن، یا فعل ربطی است یا فعل تام است.</p> <p>الف) اگر فعل تام باشد باید دانست که «فرا» وقتی به فعل می‌پیوندد، دو معنا دارد:</p> <p>۱- همراه بودن کار با فعل را می‌رساند مانند فرا رسید، یعنی رسید و به آن پیوست. در جمله‌ی «آب به دیوار خانه فرا رسید»، «فراگشت» معنایی ندارد.</p> <p>۲- معنای تأکیدی می‌دهد. مانند «فراگرفتن»، در این صورت هم «فراگشت» یعنی «حنماً گشتن» و ربطی به فرایندهای شیمیایی ندارد.</p> <p>ب) اگر گشت اسم باشد، «فراگشت» به معنای «بالتر از گردش» است که باز هم ربطی به فرایندهای شیمیایی ندارد!</p>	ترکیبات پیچیده‌ی شیمیایی

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
<p>اویزه درد، زیرا اویزه را یک عضو بدن گرفته‌ایم و در بدن هر عضوی که درد میکند، نام آن عضو را با درد ترکیب کرده نام بیماری را می‌سازیم. مانند: سردرد، پادرد، دل درد، گلو درد، و... ضمناً خود آپاندیس لغت جا افتاده‌ایست.</p>	<p>۱- عیب دستوری دارد. ۲- کم مفهوم. ۳- نیاز به ترکیب جدید ندارد اولاً اویزه آماس درست است و حذف «ه» بی دلیل و خلاف دستور است. ثانیاً اویزه را معادل آپاندیس گرفته‌ایم و بنابراین عضوی از اعضاء بدن است و می‌توان از لغت درد استفاده کرد. نیاز به آماس نیست.</p>	<p>عفونت و آماس آپاندیس</p>	<p>فرهنگستان</p>	<p>اویزه آماس</p>	<p>پزشکی</p>	<p>appendicitis</p>	<p>۷</p>
<p>مدافع تن بدن بان دشمن ستیز نامگذاری بر اساس کار انجام شده</p>	<p>۱- ترجمه تحت اللفظی است. ۲- عنصر دستوری مرده در آن به کار رفته است. ۳- نامفهوم است. زیرا پادتن به معنای ضدتن است در حالی که آنتی بادی، ضد دشمنان تن است و مدافع تن.</p>	<p>پروتئینی است که در جانوران، زمانی که یک ماده‌ی خارجی وارد بافت‌های آنان شود، به وجود می‌آید و با آن ترکیب می‌شود.</p>	<p>بنیاد</p>	<p>پادتن</p>	<p>زیست شناسی</p>	<p>Antibody</p>	<p>۸</p>
<p>- ضد بدن - بدن ستیز - سم، زهر (توضیح اینکه سم و زهر لغات تازماری نیستند اما برای ترجمه‌ی این لغت تازماند.</p>	<p>۱- عنصر دستوری مرده دارد ۲- لغت نیمه فعال «گن» به معنای جنس به کار رفته است. ۳- ترجمه‌ی تحت اللفظی است. ۴- نامفهوم است.</p>	<p>هر ماده میکروبی یا سمی است که ورود آن به بدن، سبب ایجاد پادتن شود. پادگن از جنس بدن نیست.</p>	<p>فرهنگستان</p>	<p>پادگن</p>	<p>زیست شناسی</p>	<p>antigen</p>	<p>۹</p>

پیشنهاد جدید	معایب و نقد	شرح لغت	منبع	معادلی که دیگران ساخته‌اند	رشته علمی	لغت انگلیسی	ردیف
مرکز انشعاب	اگرچه مازه به معنای ستون فقرات است اما لغت رایج و مفهومی نیست.	شبکه‌ای با ظرفیت مجراهای ارتباطی زیاد که بعنوان ستون فقرات شبکه‌ای بزرگ، شبکه‌های کوچکتر را بهم مرتبط می‌سازد.	فرهنگستان	مازه	کامپیوتر	Back bone	۱۰
کسیم سازی زاندزدانی تکلیس	۱- نامفهوم است. در زبان عربی به کسیم، تکلیس می‌گویند، لذا آن را به باب تفعلیل برده، لغت تکلیس را به معنای «کسیم سازی» ساخته‌اند. اولاً اگر قرار باشد ترجمه تحت اللفظی کنیم بهترست آن را «کسیم‌سازی» بنامیم که مفهوم آن واضح باشد. ثانیاً بهترست آن را مفهومی ترجمه کرد و این عمل را «زاند زدانی» نامید، زیرا طی آن مولد زاند، از هر ماده دلخواه جدا می‌شوند.	گرم کردن یک ماده در مجاورت هوا تا دمای زیاد، اما پالین تر از نقطه ذوب آن است تا به این روش مواد قرار آن از بین برود.	فرهنگستان	تکلیس	شیمی	Calcinations	۱۱
اکسیرن آلودگی بر (نامگذاری بر اساس مفهوم و کاربرد)	۱- مخفف سازی خلاف روح زبان فارسی صورت گرفته است ۲- ترجمه کامل تحت اللفظی که مفهوم نیست	مقدار اکسیرنی که برای اکسیداسیون آلودگی‌های موجود در پساب باید مصرف شود.	- فرهنگستان - بنیاد	خاش، خواست اکسیرن شیمیایی	محیط زیست	Chemical oxygen demand	۱۲

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۱۳	Chloroplast	زیست شناسی	سبزدیسه	فرهنگستان	دانه‌های ریز دارای سبزینه که در یاخته‌های گیاهی یافت می‌شود.	۱- معنایی: با توجه به معانی دیسه، سبزدیسه می‌تواند به دو معنا باشد ۱- شبیه سبز ۲- سبز رنگ، که هیچکدام مفهوم ارائه شده را نمی‌رساند.	سبزینه دار - یعنی چیزی که سبزینه دارد
۱۴	compandor	مخابرات	فشرگستر	فرهنگستان	سپستی که سیگنال را در فرستنده فشرده و در گیرنده گسترده می‌کند.	۱- عیب دستوری دارد. ۲- نامفهوم است و حذف بی‌دلیل دارد: فشارنده و گسترنده تبدیل به «فشرگستر» شده است و مفهومی هم ندارد.	جمع کن، بازکن
۱۵	Cul-de-sac	ترافیک	بن گرد	فرهنگستان	کوچه‌ی بن‌بستی که در انتهای آن محل مخصوصی برای دور زدن وسایل نقلیه در نظر گرفته می‌شود.	۱- ایراد مفهومی دارد. ۲- خلاف ذوق است. بن گرد، یعنی کسی یا چیزی که انتهایش می‌چرخد نه جایی که بتوان در آن دور زد.	مردم برای چنین مواقعی از جمله استفاده می‌کنند. مثلاً می‌گویند «از ته کوچه دور بزن»، «ته کوچه جای دور زدن دارد»، «ته کوچه جای دوربرگردان دارد»
۱۶	decrepitation	شیمی	جرقش	بنیاد	به صداتی گفته می‌شود که از ترکیدن یا شکاف برداشتن بلورهای بعضی مواد هنگام گرما دادن انجام می‌شود.	۱ - معنای نادرست دارد. ۲- دستور غلط. ۳ - ترجمه نمی‌خواهد. اولاً از مصدر جمعی جرقیدن، اسم مصدر نادرست جرقش ساخته‌اند، ثانیاً جرقه و جرقه زدن بمعنای صدا دادن نیست، ثالثاً صداتی که از چیزی بر می‌خیزد، نیاز به ساختن لغت تازه ندارد!	صدای ترکیدن

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و تقد	پیشنهاد جدید
۱۷	demurrage	مکانیک (حمل و نقل)	دیرانه	فرهنگستان	خسارت تاخیر در تخلیه‌ی واگنها که از طرف راه آهن مقصد به راه آهن مبدأ پرداخت می‌شود.	۱- بی نیاز از ترجمه است. ۲- از حیث دستوری اولاً این لغت، از لغاتی است که نیازی به ترجمه‌ی خاص و معادل‌گذاری ندارد، بلکه به صورت عمومی به چنین حالاتی خسارت یا دیرکرد یا جریمه می‌گویند. ۲- دیرانه ترکیب «قید + ته» است که در زبان نداریم، به فرض ساختن هم باز این ترکیب صفت است نه اسم و نمی‌تواند بجای «خسارت» که اسم است بکار رود.	- دیرکرد - جریمه - خسارت - جریمه‌ی تاخیر
۱۸	devitrification	شیمی	واشیش	بنیاد	عمل تبلور شیشه است.	۱- دستور غلط. ۲- خلاف ذوق ۳- نامفهوم خلق لغت و واشیشش بجای «تبلور شیشه» حقا که از شاهکارهای لغت سازی است.	- تبلور - تبلور کردن - تبلور سازی
۱۹	Drag	مکانیک (هوانی)	پسار	فرهنگستان	درست مخالف برآر، نیرویست که سبب ایستادن یا کندی حرکت جسم می‌شود.	علاوه بر تمام معایب «برآر»، خلاف ذوق هم هست، چه «پس آر» یعنی استفرغ کن.	- نیروی مقاوم - نیروی بازدارنده - نیروی مخالف
۲۰	elastomer	شیمی	کشپار	فرهنگستان	بسیاری با خواص کشسانی لاستیک طبیعی.	۱- تحت اللفظی. ۲- دستور غلط. ۳- نامفهوم. ۴- خلاف ذوق است و هیچ معنا و مفهومی ندارد.	۱- درست مولکول کشسانی ۲- پلیمر کشسانی
۲۱	polymer	شیمی	بسیار	بنیاد - فرهنگستان	مولکول عظیم‌الجهدی که از مولکولهای ساده با چرم مولکولی کم ساخته می‌شوند.	۱- تحت اللفظی. ۲- دستور غلط. ۳- نامفهوم. ۴- خلاف ذوق. ابتدا ترجمه‌ی تحت اللفظی کرده، لغت «بسی پاره» را ساخته‌اند. سپس با حذف خلاف قاعده «ی» و «ه» را حذف کرده بسیار را بوجود آورده‌اند.	«درست مولکول» یا «مولکول درست» نامگذاری بر اساس خاصیت است. «مهندسی پلیمر» - «مهندسی مولکولهای درست» مثال: این ماده پلیمر است. این ماده درست مولکول است.

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۲۲	epiglottis	زیست شناسی	هرچاکندای	- فرهنگستان - درسی	زبانهای که بالای حنجره قرار دارد و مانع ورود غذا به نای میشود. در زبان عامه به آن «زبان کوچک» می‌گویند.	۱- نامفهوم. ۲- خلاف ذوق. ۳- بی دلیل. بر (بالا) + چاک (شکاف) + نای جمعاً به معنای چیزی که بالای شکاف نای قرار دارد.	زبان کوچک
۲۳	hydrosol	زیست شناسی	آبوا	بنیاد	اصطلاحی است که به کلونیدهای معلق در آب، اطلاق می‌شود به این ترتیب که کلیه محلولهای کلونیدی آبی «آبوا» هستند.	آبوا را مخفف «آب‌اندورا» گرفتند. معایب: ۱- نامفهوم. ۲- عیب دستوری عیب دستوری این است که حذف خلاف قاعده دارد و عیب مفهومی اینست که خود لغت «آب‌اندورا» هم به معنای «معلق در آب» نیست. تا چه رسد به مخفف سر و ته شکسته‌ی آن، یعنی آبوا	«رها در آب» یا «در آب رها» مثال: - این ذرات «هیدروزول» هستند. - این ذرات «آبوا» هستند. - این ذرات «در آب رها» هستند. که جمله دوم نامفهوم، اما جمله‌ی سوم پیشنهادی ما مفهوم است.
۲۴	ionomer	شیمی	یونبار	فرهنگستان	تکیاری مشابه یون	تمام معایب تکیار را دارد و اصلاً هم مفهوم نیست.	- درشت ساز یونی - پلیمر یونی
۲۵	Ionisation	شیمی	یونش	فرهنگستان - درسی	شکستن مولکولها توسط الکترونیز به یونهاست.	عیب دستوری از مصدر جعلی اسم مصدر ساخته‌اند.	- یونیزه کردن - باردار کردن

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۲۶	isomerism	شیمی	هم پاری	فرهنگستان		معایب همپاری را دارد	هم عنصری
۲۷	isomerization	شیمی	همپارش	- فرهنگستان - درسی	فرآیندی که باعث می‌شود یک ترکیب به همپار آن ترکیب تغییر یابد.	۱- بی معنا. ۲- خلاف ذوق. ۳- خلاف قاعده (رکد همپار) ساختن چنین لغاتی. مردم را از زبان فارسی دور می‌کند.	هم عنصر شدن
۲۸	Landing gear	حمل و نقل (مکانیک)	ارابه فرود - فرود افزار	فرهنگستان	پایه یا چرخشی که هواگرد با آن بر زمین می‌نشیند.	اخذ نیاز به ساختن لغت خاص جدید ندارد، بلکه یک نوع چرخ است و می‌توان با آوردن مضاف الیه، ویژگی آن را تعیین کرد. مانند دهها نوع چرخ دیگر: چرخ ماشین، چرخ دوچرخه، چرخ چوبی، چرخ بادی	چرخ فرود
۲۹	Lift	مکانیک (هوائی)	برار	فرهنگستان	نیرویی که بر اثر برخورد هوا با سطوح فوقانی و تحتانی بال ایجاد شده و موجب بالارفتن هواپیما یا آداپتی پرواز آن می‌شود.	۱- نامفهوم. ۲- ساختار دستوری مبهم دارد، آیا برار مخفف برآورنده است؟ که در این صورت چنین تخفیفی درست نیست. آیا برار فعل امر است؟ یعنی بالا بیاور؟ که در اینصورت هم اولاً فعل است و نمیتواند بجای اسم بکار رود، ثانیاً «بر» در افعال، همیشه معنای بالا نمیدهد. مثلاً در «برگرد» و «برخور». بنابراین در مجموع لغت مناسبی نیست و مبهم است.	بالا، (نبروی بالا، نبروی محرکه)
۳۰	Lift truck	علوم هوائی	افرازه	فرهنگستان	نوعی جرثقیل کوچک برای بلند کردن و جابجایی بارهای سنگین	عنصر مرده‌ی دستوری «ه»-الت ساز در آن استفاده شده است.	بالا، چون مهمترین کار لیفت تراک، بالارندن است.

نقد چهل لغت ترجمه شده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی / ۱۰۱

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۳۱	Ribosome	زیست شناسی	رئاتن	فرهنگستان	اندامک درون یاخته‌ای که عمدتاً از رنا (RNA) تشکیل شده و جایگاه سنتز پروتئین است.	حروف «رنا» را از RNA گرفته‌اند و دو ایراد دارد: ۱- ایراد دستوری: بجای یک کلمه‌ی بسیط فرض کرده، بسوند تن را به آن افزوده‌اند و رئاتن را بمعنای چیزی که از جنس رنا هست گرفته‌اند. ۲- ایراد معنایی: اولاً لغت نامفهومی است. ثانیاً رئاتن یعنی «تنش شبیه رناست» نه از جنس رنا. مانند پیلتن.	- اندام پروتئین سازی نامگذاری بر اساس کاربرد
۳۲	Short take and landing	علوم هوایی	هوابیمای نوبک	فرهنگستان	صورت اختصاری «شست و برخاست کوتاه»	اگر صرفاً بصورت یک علامت اختصاری باشد، عیبی ندارد مانند «تراجا» یا «سواک»، ولی اگر بصورت اسم درآید، خلاف روح زبان فارسی است.	از طبیعت می‌توان کمک گرفت، کاتگور چینج خاصیتی دارد و جهشهای کوتاه میکند: هوابیمای کاتگورونی
۳۳	Suspension	شیمی	اندورا	بنیاد	ذره‌های جامد یا مایع است که در درون گاز پراکنده شده‌اند.	لغت نامفهوم و خلاف ذوقی است.	ذرات معلق
۳۴	Liquation	شیمی	نشستن	بنیاد	جداکردن یک مخلوط جامد بوسیله گرم کردن تا اینکه یکی از اجزاء متشکله‌ی ذوب شده بتواند جداشود. مانند جداکردن عسل از موم	۱- عیب دستوری ۲- نامفهوم. ۳- بی نیاز از ساخت لغت جدید هستیم نشستن بجای نشست کردن، خلاف دستور زبان فارسی است. ضمناً نشست کردن یا ته نشین شدن معمولاً برای مخلوط جامد و مایع بکار می‌رود.	جداسازی، اسمی کلی است که برای انواع پدیده‌ها میتوان بکار برد و دلیلی ندارد برای هر نوع جداسازی یک اسم خاص بسازیم. مثلاً می‌گوئیم: جداسازی عسل از موم که کاملاً مفهوم است.

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	معادلی که دیگران ساخته‌اند	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهادهای جدید
۳۵	lymph	زیست‌شناسی	تنبه	فرهنگستان فارسی	مایع شفافی که در مجاری خاصی به نام مجاری تنبهای جریان دارد (فرهنگستان) معادل فرانسوی این لغت lamf است و مایعی است که حول سلولهای بدن قرار دارد و رابط بین سلولهای بدن و خون است و اصل مایع لنف از پلاسمای خون است. (فرهنگ معین)	ظاهراً تنبیه را به معنای آبی که منسوب به تن است، ساخته‌اند ۱- عیب دستوری دارد، زیرا اولاً آبه، به معنای منسوب به آب نیست زیرا «ه» بر اساسی نمی‌آید جز در دو حالت: ۱- اسم آغاز می‌سازد: زبان-زبانیه، دست-دسته، پای-پایه ۲- اسم مکان می‌سازد: دهانه، گردنه، بیراهه. همچنین تناب به معنای آب تن است که ارتباطی با مفهوم ارائه شده ندارد.	آب میان بافتی (فرهنگ معین)
۳۶	Molecule	شیمی	مولکول		کوچکترین جزء آزاد یک جسم ساده یا مرکب است که تمام خواص آن جسم را دارد.	لغت مولکول بسیار جالفتاده است. اما اگر از روز اول برای آن معادلی ساخته میشد بهتر بود. لغاتی مانند «واحد» یا «پاره» برای مولکول و «ذره» برای اتم مناسب بودند.	واحد- پاره مثال: یک مولکول آب از چه اتمهایی تشکیل شده است؟ یک واحد آب از چه ذراتی تشکیل شده است؟
۳۷	Nephron	زیست‌شناسی	گردیزه	فرهنگستان	واحد ساختمانی و کارکردی کلیه در مهره داران	۱- عیب دستوری دارد: گرد را مخفف کرده گرفته‌اند ۲- عنصر مرده‌ی دستوری دارد: «ایزه» مرده‌ی پهلوی را که علامت تصغیر بوده است به آن افزوده‌اند ۳- نامفهوم: گردیزه بمعنای کلیه کوچک	- واحد ساختمانی کلیه - واحد کلیه ساز
۳۸	Notice for air man	علوم هوایی	هواپاد	فرهنگستان	مخفف یادداشتهای هوایی، دستورالعمل‌های سازمان هواپیمائی کشوری	۱- ایراد دستوری ندارد. ۲- ترجمه تحت اللفظی است. ۳- ایراد معنایی دارد. ۴- بی نیاز از لغت جدید هستیم و حذف بی دلیل دارد. هواپاد به معنای پاد هوا است نه مفهوم ارائه شده و اصلاً احتیاج به لغت خاص و جدید ندارد. دستورالعمل، دستورالعمل، است برای هر کجائی که می‌خواهد باشد فرقی نمی‌کند.	دستورالعمل فرمان دستور دستور پرواز

ردیف	لغت انگلیسی	رشته علمی	ساخته‌اند	معادلی که دیگران	منبع	شرح لغت	معایب و نقد	پیشنهاد جدید
۳۹	oligomer	شیمی	کم بار		فرهنگستان	پلیمری با جرم مولکولی کم	تمام معایب کشار را دارد	درشت مولکول سبک - پلیمر سبک زیرا پلیمری است که وزن آن کم است.
۴۰	Plastid	زیست‌شناسی	دبسه		فرهنگستان	یکی از اندامک‌های سلولی محصور در غشاء که در سلول‌های گیاهی یافت می‌شود و وظائف فیزیولوژیکی متفاوتی مانند سنتز و ذخیره سازی مواد را برعهده دارد.	نامفهوم است، هیچکدام از معانی دبسه، ارتباطی با مفهوم ارائه شده ندارد ۱- رنگ ۲- شباهت ۳- پسوند شباهت مانند طاق‌دیس	غشاپوش، چون محصور در غشاء است.

نتیجه‌گیری

همانطور که در نقد چهل لغت مشاهده شد و در متن مقاله نیز آمد، لغات ساخته شده در فرهنگستان، به رغم اصولی که برای خود برشمرده‌اند، معایبی دارند که اهم آنها عبارتند از:

نامفهوم بودن ترجمه، افراط در استفاده از ترجمه تحت اللفظی، حذف‌های بی دلیل، رعایت نکردن دستور زبان فارسی، رعایت نکردن ذوق در لغت‌سازی و ترجمه لغاتی که نیاز به ترجمه ندارد. بدیهی است رفع این عیوب، همانگونه که در این مقاله پیشنهاد شده است، نیازمند روی آوردن به مبانی متداولتر و مستحکمتری است.

پی‌نوشت:

- ۱- ر.ک: مقاله بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان، دکتر مجتبی منشی‌زاده، و بابک شریف، مجله زبان و ادب، شماره ۲۴، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- اگرچه زبان‌شناسان، این نوع ترجمه را در بعضی موارد پذیرفته‌اند و آن را اختصارسازی نام نهاده‌اند. (ر.ک: شقاقی، ۱۳۸۷: ۱۰۸)، ولی بدیهی است که موارد درست کاربرد این روش، مانند «ع» بجای «علیه السلام»، با کاربردهائی مانند فشر گستر تفاوت دارد.
- ۳- زبان‌شناسان، این روش را گسترش استعاری نام نهاده‌اند. (ر.ک: شقاقی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).
- ۴- شامل کتابهای: لغت‌سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی دکتر خسرو فرشیدورد، شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی دکتر امید مجد و مبانی صرف واژه دکتر ویدا شقاقی.
- ۵- این روشها بیست و دو روشند که سیزده روش آن بصورت فشرده در اینجا آمده‌اند برای دیدن شرح کامل این روشها ر.ک. امید مجد، ۱۳۸۴.
- ۶- برای دیدن این روشها ر.ک. شقاقی، همان: ۸۵ به بعد.

منابع

- اصول و ضوابط واژه‌گزینی (۱۳۸۷) گروه واژه‌گزینی، ویرایش دوم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۷) مبانی صرف واژه، چاپ دوم، تهران، سمت.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۹) درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲) دستور مفصل امروز، تهران، سخن.
- فرهنگ اصطلاحات علمی (۱۳۴۹)، گروه مؤلفان به سرپرستی پرویز شهریاری، جلد‌های ۱ و ۲ و ۳، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- فرهنگ اصطلاحات مهندسی شیمی (۱۳۷۰)، گروه مؤلفان، تهران، جهاد دانشگاهی صنعتی شریف.
- فصلنامه‌ی نامه‌ی فرهنگستان (۱۳۷۴) «مصوبه‌ی اصول و ضوابط واژه‌گزینی». سال اول، جلد اول.
- مجد. امید (۱۳۸۴) شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در رشته‌های علمی، تهران، امید مجد.
- منشی زاده، مجتبی (۱۳۸۴) «بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی» مجله‌ی زبان و ادب فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره‌ی ۲۴.
- مک، گروهیل (۱۳۷۹) فرهنگ تشریحی علوم مهندسی، مترجم محمدرضا افضل، تهران، دانشیار.
- میرزنده دل، احمد (۱۳۷۶) فرهنگ مهندسی مکانیک، تهران، امیرکبیر.
- واژه‌های پزشکی ۱ (۱۳۷۹) گروه واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۲ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۳ (۱۳۷۹) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی حمل و نقل ریلی ۱ (۱۳۷۹) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های تخصصی رایانه ۱ و ۲ (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- واژه‌های حمل و نقل هوایی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های ریاضی کتابهای درسی مدارس ۱ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های زیست‌شناسی درسی مدارس (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های شیمی ۱ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های شیمی ۲ (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های شیمی ۳ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های شیمی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های علوم دامپزشکی ۱ (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های علوم زمین (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های علوم زمین ۳ (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های علوم زمین (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های فیزیک کتابهای درسی مدارس ۱ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های کشاورزی شاخه زراعت و اصلاح نباتات جلد ۱ و ۲ (۱۳۸۲) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های مخابرات ۲ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های موسیقی ۱ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های مهندسی محیط زیست و انرژی (۱۳۸۱) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های ورزش ۱ (۱۳۸۰) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واژه‌های هنرهای تجسمی (۱۳۷۸) گروه واژه‌گزینی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.